معمای سوریه پسا اسد

حاکمان جدید باید تدبیری بیندیشند برای تثبیت تمامیت ارضی، ایجاد یک نظام سیاسی دموکراتیک و نهادی نظامی که بتواند امنیت را تضمین کند

محمدرضا بابایی
پژوهشگر مسائل بین‌الملل

مرکز مطالعات خیزگیری الجزیره در مقاله‌ای با عنوان «سقوط اسد: پیروزی ناگهانی و آینده‌ای نامعلوم» به بررسی آینده سوریه پسا اسد پرداخته است. متن زیر گزیده‌ای از این مقاله نسبتاً بلند است که در آن به چالش‌های حکومت فعلی سوریه پرداخته شده است. مطلب ذیل ترجمه و طبیعی است که همه منطق و الفاظ استفاده شده در این متن مورد تأیید «فرهیختگان» نیست؛ اما جهت اطلاع از ابعاد مختلف موضوع، در یک روزنامه دانشگاهی عیناً منتشر می‌شود.

اگرچه مخالفان مسلح سوری توانستند در یک بازه زمانی کوتاهی حکومت اسد را سرنگون کنند؛ اما در حال حاضر با چند چالش جدی روبه‌رویند. حفظ و تثبیت تمامیت ارضی کشور، ایجاد یک نظام سیاسی دموکراتیک و مردمی و ایجاد یک‌نهاد نظامی قوی که بتواند امنیت کشور را تضمین کند. دستیابی به این اهداف در سایه تشدید رقابت‌های کنشگران خارجی برای تأثیرگذاری و ایفای نقش در مرحله پسا دوران انتقالی، به‌آسانی میسر نیست. در سحرگاه ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴ ائتلاف متشکل از مخالفان مسلح سوری در ادلب یک‌رشته عملیاتی را علیه دولت سوریه آغاز کردند و در ساعات اولیه بامداد ۸ دسامبر در دمشق اعلام شد، نظام اسد سقوط کرده است و بشار اسد به همراه خانواده و برخی از افراد و چهره‌های نزدیک به او از دمشق رفتند. پس از دو روز نبرد عملاً مقاومت ارتش سوریه در حلب درهم‌شکسته شد و شهر حلب که بزرگ‌ترین شهر در شمال سوریه بود تنها بعد از دو روز درگیری به‌دست مخالفان سقوط کرد. پیشروی مخالفان تنها به حلب محدود نشد؛ نیروهای مخالف تصمیم گرفتند به‌سمت جنوب حلب، استان‌های حماه، حمص و دمشق پیشروی کنند. با توجه به اهمیت استراتژیک شهر حمص ازنظر وسعت و حجم پرکاندگی پادگان‌های نظامی انتظار می‌رفت تا کمی بیشتر مقاومت کند، اما باوجود، افسران و سربازانی که برای حفاظت از حمص اعزام‌شده بودند، متوجه شدند که گروه‌های مسلح مخالفان، محور عملیاتی جدیدی را در جنوب سوریه باز کردند و شروع به پیشروی به‌سمت مناطق غربی و جنوبی دمشق کردند، روحیه آنها به‌شدت فروریخت و مواضع خود را ترک کردند و سلاح و تجهیزات خود را پشت سر خود رها کردند.

شهر حمص و حومه شمالی آن پس از درگیری‌های محدود به‌دست مخالفان افتاد و نیروهای مخالف مسلح وارد مرکزشهر حمص شدند که از آن با عنوان پایتخت انقلاب نام برده می‌شد. همچنین در ساعات اولیه روز ۸ دسامبر، مخالفان مسلح به همراه شماری از خبرنگارانی که آنها را همراهی می‌کردند در میدان الأمویین و العباسیین دمشق رسیدند و اولین نشانه‌های پیروزی خود را جشن می‌دادند. بعدازظهر همان روز، احمد الشرع، فرمانده کل اداره عملیات، وارد دمشق پایتخت سوریه شد. وی اظهار داشت که با محمد الجلالی، رئیس‌وزیر حکومت سابق تماس گرفته و ازوی خواسته است تا زمان تواقی بر سر تشکیل دولت انتقالی، زمام امور را در دست بگیرد و در سمت خود باقی بماند. روز بعد، در ۹ دسامبر دیداری بین الشرع و الجلالی با حضور محمد البشیر که از سال ۲۰۲۲ ریاست دولت نجات در ادلب و مناطق تحت کنترل تحریر الشام را بر عهده داشت، برگزار شد. مسلم است که الشرع به الجلالی گفت که البشیر ریاست دولت موقت جدید را به عهده خواهد گرفت و ابراز امیدواری کرد که با همکاری وزرای الجلالی و وزرای دولت جدید در انتقال قدرت روند مسالمت‌آمیزی شکل خواهد گرفت.

دولت الجلالی از فردای آن روز اعلام کرد که وظایف و اختیارات خود را به دولت جدید به ریاست محمد البشیر واگذار خواهد کرد. سخنگوی اتاق عملیات مشترک «ردع العدوان» و همچنین شخص البشیر تلیه کرد دولت موقت اداره امور کشور را برای مدت حداکثر سه‌ماه در دست خواهد گرفت. چگونه نیروی مخالف مسلح به این پیروزی سریع دست یافتند، آن هم دربرابر حکومتی که مخالفان درطول ۱۳ سال شناخت کشورشان آن را سرنگون کنند؟ چرا حکومت اسد در ۱۰ روز رویارویی خود را تنها دید، درحالی‌که از بهار ۲۰۱۱ از حمایت نامحدود ایران، روسیه و محور مقاومت برخوردار بود؟ فاتحان برای بازسازی سوریه و سوق دادن کشور به ثبات و امنیت با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهند بود؟

ارتش سوریه پسا اسد

اتاق عملیات مشترک «ردع العدوان»، آغازگر عملیات نظامی بزرگی علیه دولت اسد بود که دنهایت منجر به سرنگونی حکومت دمشق شد؛ متشکل از چندین گروه مسلح از مخالفان سوری بود که مقر فرماندهی آنها در شهر ادلب قرار داشت. هیئت تحریرالشام رویکرد اصلی این ائتلاف تلقی می‌شود و احمد الشرع، رهبر این گروه، مسئولیت نظرورزی عملیات را بر عهده گرفت. هیئت تحریرالشام ریشه در جبهه النصره دارد که در اولین سال‌های حضورش در سوریه با القاعده مرتبط بود. بااین‌حال، آنچه‌که در سال ۲۰۱۶ نیروهای حکومت اسد با حمایت حزب‌الله، ایران‌ها و نیروی هوایی روسیه موفق به شکست مخالفان و بیرون راندن آنها از مناطق قلب شدند، الشرع دیدند که باوجود رسمی از افراد و چهره‌های نزدیک به او از دمشق رفتند. پس از دو روز نبرد عملاً مقاومت ارتش سوریه در حلب درهم‌شکسته شد و شهر حلب که بزرگ‌ترین شهر در شمال سوریه بود تنها بعد از دو روز درگیری به‌دست مخالفان سقوط کرد. پیشروی مخالفان تنها به حلب محدود نشد؛ نیروهای مخالف تصمیم گرفتند به‌سمت جنوب حلب، استان‌های حماه، حمص و دمشق پیشروی کنند. با توجه به اهمیت استراتژیک شهر حمص ازنظر وسعت و حجم پرکاندگی پادگان‌های نظامی می‌رفت تا کمی بیشتر مقاومت کند، اما باین‌وجود، افسران و سربازانی که برای حفاظت از حمص اعزام‌شده بودند، متوجه شدند که گروه‌های مسلح مخالفان، محور عملیاتی جدیدی را در جنوب سوریه باز کردند و شروع به پیشروی به‌سمت مناطق غربی و جنوبی دمشق کردند، روحیه آنها به‌شدت فروریخت و مواضع خود را ترک کردند و سلاح و تجهیزات خود را پشت سر خود رها کردند.

شهر حمص و حومه شمالی آن پس از درگیری‌های محدود به‌دست مخالفان افتاد و نیروهای مخالف مسلح وارد مرکزشهر حمص شدند که از آن با عنوان پایتخت انقلاب نام برده می‌شد. همچنین در ساعات اولیه روز ۸ دسامبر، مخالفان مسلح به همراه شماری از خبرنگارانی که آنها را همراهی می‌کردند در میدان الأمویین و العباسیین دمشق رسیدند و اولین نشانه‌های پیروزی خود را جشن می‌دادند. بعدازظهر همان روز، احمد الشرع، فرمانده کل اداره عملیات، وارد دمشق پایتخت سوریه شد. وی اظهار داشت که با محمد الجلالی، رئیس‌وزیر حکومت سابق تماس گرفته و ازوی خواسته است تا زمان تواقی بر سر تشکیل دولت انتقالی، زمام امور را در دست بگیرد و در سمت خود باقی بماند. روز بعد، در ۹ دسامبر دیداری بین الشرع و الجلالی با حضور محمد البشیر که از سال ۲۰۲۲ ریاست دولت نجات در ادلب و مناطق تحت کنترل تحریر الشام را بر عهده داشت، برگزار شد. مسلم است که الشرع به الجلالی گفت که البشیر ریاست دولت موقت جدید را به عهده خواهد گرفت و ابراز امیدواری کرد که با همکاری وزرای الجلالی و وزرای دولت جدید در انتقال قدرت روند مسالمت‌آمیزی شکل خواهد گرفت.

دولت الجلالی از فردای آن روز اعلام کرد که وظایف و اختیارات خود را به دولت جدید به ریاست محمد البشیر واگذار خواهد کرد. سخنگوی اتاق عملیات مشترک «ردع العدوان» و همچنین شخص البشیر تلیه کرد دولت موقت اداره امور کشور را برای مدت حداکثر سه‌ماه در دست خواهد گرفت. چگونه نیروی مخالف مسلح به این پیروزی سریع دست یافتند، آن هم دربرابر حکومتی که مخالفان درطول ۱۳ سال شناخت کشورشان آن را سرنگون کنند؟ چرا حکومت اسد در ۱۰ روز رویارویی خود را تنها دید، درحالی‌که از بهار ۲۰۱۱ از حمایت نامحدود ایران، روسیه و محور مقاومت برخوردار بود؟ فاتحان برای بازسازی سوریه و سوق دادن کشور به ثبات و امنیت با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهند بود؟

از عملیات ردع العدوان تا سرنگونی حکومت اسد

اتاق عملیات مشترک «ردع العدوان»، آغازگر عملیات نظامی بزرگی علیه دولت اسد بود که دنهایت منجر به سرنگونی حکومت دمشق شد؛ متشکل از چندین گروه مسلح از مخالفان سوری بود که مقر فرماندهی آنها در شهر ادلب قرار داشت. هیئت تحریرالشام رویکرد اصلی این ائتلاف تلقی می‌شود و احمد الشرع، رهبر این گروه، مسئولیت نظرورزی عملیات را بر عهده گرفت. هیئت تحریرالشام ریشه در جبهه النصره دارد که در اولین سال‌های حضورش در سوریه با القاعده مرتبط بود. بااین‌حال، آنچه‌که در سال ۲۰۱۶ نیروهای حکومت اسد با حمایت حزب‌الله، ایران‌ها و نیروی هوایی روسیه موفق به شکست مخالفان و بیرون راندن آنها از مناطق قلب شدند، الشرع دیدند که باوجود رسمی از افراد و چهره‌های نزدیک به او از دمشق رفتند. پس از دو روز نبرد عملاً مقاومت ارتش سوریه در حلب درهم‌شکسته شد و شهر حلب که بزرگ‌ترین شهر در شمال سوریه بود تنها بعد از دو روز درگیری به‌دست مخالفان سقوط کرد. پیشروی مخالفان تنها به حلب محدود نشد؛ نیروهای مخالف تصمیم گرفتند به‌سمت جنوب حلب، استان‌های حماه، حمص و دمشق پیشروی کنند. با توجه به اهمیت استراتژیک شهر حمص ازنظر وسعت و حجم پرکاندگی پادگان‌های نظامی می‌رفت تا کمی بیشتر مقاومت کند، اما باین‌وجود، افسران و سربازانی که برای حفاظت از حمص اعزام‌شده بودند، متوجه شدند که گروه‌های مسلح مخالفان، محور عملیاتی جدیدی را در جنوب سوریه باز کردند و شروع به پیشروی به‌سمت مناطق غربی و جنوبی دمشق کردند، روحیه آنها به‌شدت فروریخت و مواضع خود را ترک کردند و سلاح و تجهیزات خود را پشت سر خود رها کردند.

شهر حمص و حومه شمالی آن پس از درگیری‌های محدود به‌دست مخالفان افتاد و نیروهای مخالف مسلح وارد مرکزشهر حمص شدند که از آن با عنوان پایتخت انقلاب نام برده می‌شد. همچنین در ساعات اولیه روز ۸ دسامبر، مخالفان مسلح به همراه شماری از خبرنگارانی که آنها را همراهی می‌کردند در میدان الأمویین و العباسیین دمشق رسیدند و اولین نشانه‌های پیروزی خود را جشن می‌دادند. بعدازظهر همان روز، احمد الشرع، فرمانده کل اداره عملیات، وارد دمشق پایتخت سوریه شد. وی اظهار داشت که با محمد الجلالی، رئیس‌وزیر حکومت سابق تماس گرفته و ازوی خواسته است تا زمان تواقی بر سر تشکیل دولت انتقالی، زمام امور را در دست بگیرد و در سمت خود باقی بماند. روز بعد، در ۹ دسامبر دیداری بین الشرع و الجلالی با حضور محمد البشیر که از سال ۲۰۲۲ ریاست دولت نجات در ادلب و مناطق تحت کنترل تحریر الشام را بر عهده داشت، برگزار شد. مسلم است که الشرع به الجلالی گفت که البشیر ریاست دولت موقت جدید را به عهده خواهد گرفت و ابراز امیدواری کرد که با همکاری وزرای الجلالی و وزرای دولت جدید در انتقال قدرت روند مسالمت‌آمیزی شکل خواهد گرفت.

دولت الجلالی از فردای آن روز اعلام کرد که وظایف و اختیارات خود را به دولت جدید به ریاست محمد البشیر واگذار خواهد کرد. سخنگوی اتاق عملیات مشترک «ردع العدوان» و همچنین شخص البشیر تلیه کرد دولت موقت اداره امور کشور را برای مدت حداکثر سه‌ماه در دست خواهد گرفت. چگونه نیروی مخالف مسلح به این پیروزی سریع دست یافتند، آن هم دربرابر حکومتی که مخالفان درطول ۱۳ سال شناخت کشورشان آن را سرنگون کنند؟ چرا حکومت اسد در ۱۰ روز رویارویی خود را تنها دید، درحالی‌که از بهار ۲۰۱۱ از حمایت نامحدود ایران، روسیه و محور مقاومت برخوردار بود؟ فاتحان برای بازسازی سوریه و سوق دادن کشور به ثبات و امنیت با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهند بود؟

از عملیات ردع العدوان تا سرنگونی حکومت اسد

اتاق عملیات مشترک «ردع العدوان»، آغازگر عملیات نظامی بزرگی علیه دولت اسد بود که دنهایت منجر به سرنگونی حکومت دمشق شد؛ متشکل از چندین گروه مسلح از مخالفان سوری بود که مقر فرماندهی آنها در شهر ادلب قرار داشت. هیئت تحریرالشام رویکرد اصلی این ائتلاف تلقی می‌شود و احمد الشرع، رهبر این گروه، مسئولیت نظرورزی عملیات را بر عهده گرفت. هیئت تحریرالشام ریشه در جبهه النصره دارد که در اولین سال‌های حضورش در سوریه با القاعده مرتبط بود. بااین‌حال، آنچه‌که در سال ۲۰۱۶ نیروهای حکومت اسد با حمایت حزب‌الله، ایران‌ها و نیروی هوایی روسیه موفق به شکست مخالفان و بیرون راندن آنها از مناطق قلب شدند، الشرع دیدند که باوجود رسمی از افراد و چهره‌های نزدیک به او از دمشق رفتند. پس از دو روز نبرد عملاً مقاومت ارتش سوریه در حلب درهم‌شکسته شد و شهر حلب که بزرگ‌ترین شهر در شمال سوریه بود تنها بعد از دو روز درگیری به‌دست مخالفان سقوط کرد. پیشروی مخالفان تنها به حلب محدود نشد؛ نیروهای مخالف تصمیم گرفتند به‌سمت جنوب حلب، استان‌های حماه، حمص و دمشق پیشروی کنند. با توجه به اهمیت استراتژیک شهر حمص ازنظر وسعت و حجم پرکاندگی پادگان‌های نظامی می‌رفت تا کمی بیشتر مقاومت کند، اما باین‌وجود، افسران و سربازانی که برای حفاظت از حمص اعزام‌شده بودند، متوجه شدند که گروه‌های مسلح مخالفان، محور عملیاتی جدیدی را در جنوب سوریه باز کردند و شروع به پیشروی به‌سمت مناطق غربی و جنوبی دمشق کردند، روحیه آنها به‌شدت فروریخت و مواضع خود را ترک کردند و سلاح و تجهیزات خود را پشت سر خود رها کردند.

شهر حمص و حومه شمالی آن پس از درگیری‌های محدود به‌دست مخالفان افتاد و نیروهای مخالف مسلح وارد مرکزشهر حمص شدند که از آن با عنوان پایتخت انقلاب نام برده می‌شد. همچنین در ساعات اولیه روز ۸ دسامبر، مخالفان مسلح به همراه شماری از خبرنگارانی که آنها را همراهی می‌کردند در میدان الأمویین و العباسیین دمشق رسیدند و اولین نشانه‌های پیروزی خود را جشن می‌دادند. بعدازظهر همان روز، احمد الشرع، فرمانده کل اداره عملیات، وارد دمشق پایتخت سوریه شد. وی اظهار داشت که با محمد الجلالی، رئیس‌وزیر حکومت سابق تماس گرفته و ازوی خواسته است تا زمان تواقی بر سر تشکیل دولت انتقالی، زمام امور را در دست بگیرد و در سمت خود باقی بماند. روز بعد، در ۹ دسامبر دیداری بین الشرع و الجلالی با حضور محمد البشیر که از سال ۲۰۲۲ ریاست دولت نجات در ادلب و مناطق تحت کنترل تحریر الشام را بر عهده داشت، برگزار شد. مسلم است که الشرع به الجلالی گفت که البشیر ریاست دولت موقت جدید را به عهده خواهد گرفت و ابراز امیدواری کرد که با همکاری وزرای الجلالی و وزرای دولت جدید در انتقال قدرت روند مسالمت‌آمیزی شکل خواهد گرفت.

دولت الجلالی از فردای آن روز اعلام کرد که وظایف و اختیارات خود را به دولت جدید به ریاست محمد البشیر واگذار خواهد کرد. سخنگوی اتاق عملیات مشترک «ردع العدوان» و همچنین شخص البشیر تلیه کرد دولت موقت اداره امور کشور را برای مدت حداکثر سه‌ماه در دست خواهد گرفت. چگونه نیروی مخالف مسلح به این پیروزی سریع دست یافتند، آن هم دربرابر حکومتی که مخالفان درطول ۱۳ سال شناخت کشورشان آن را سرنگون کنند؟ چرا حکومت اسد در ۱۰ روز رویارویی خود را تنها دید، درحالی‌که از بهار ۲۰۱۱ از حمایت نامحدود ایران، روسیه و محور مقاومت برخوردار بود؟ فاتحان برای بازسازی سوریه و سوق دادن کشور به ثبات و امنیت با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهند بود؟

در مورد عراق به نظر می‌رسد دولت عراق حتی قبل از ورود عراقچی تصمیم گرفته بود خود را از تحولات سوریه دور نگه دارد. نخست‌وزیر عراق، در مقام فرماندهی کل نیروهای مسلح ترجیح داد به نیروهای حشد الشعبی اجازه ورود به سوریه را ندهد. تنها پاسخ به درخواست ایران ظاهراً آنها از طرف حزب‌الله بود؛ گزارش‌ها حاکی بر سود تقریباً دوهزار نفر از نیروهای آنها به سمت شهر القصیر در غرب حمص و نزدیک مرز لبنان و سوریه که حزب‌الله تحت کنترل آن بود، حرکت کردند اما پس از تأیید خروج بشار اسد از سوریه، نیروهای حزب‌الله نیز از آنجا عقب‌نشینی کردند.

ایران اولاً حاضر به اعزام نیروی نظامی به سوریه نبود، زیرا مداخله آن در امور سوریه از ابتدا محدود به کمک‌های مستشاری بود که برای حمایت از کنترل مخالفان بود و هدف نهایی آن به تصرف مناطق تحت کنترل دولت سوریه در استان ادلب محدود خواهد شد. نیروهای دولتی پس از توافق آتش‌بس عملاً بخش اعظمی از حومه غربی حلب را تحت کنترل داشتند. اما فروپاشی ناگهانی ارتش سوریه و نیروهای حزب‌الله در جبهه غرب و شهرک الحاضر در جنوب حلب، دست مخالفان را برای تصرف کامل استان ادلب و گسترش دامنه عملیات باز گذاشت.

بلافاصله پس از سقوط حلب، فرماندهی اداره عملیات به نیروهای تحت امر خود دستور داد به سمت جنوب حلب و به سمت حماه، حمص و دمشق حرکت کنند اما پیشروی برق‌آسای مخالفان در اتوبان اثریا-خناصر باعث ایجاد تحولاتی در مناطق دیگر نیز شد. در شمال شرقی حلب، نیروهای دموکراتیک سوریه که عمدتاً به حزب کارگران کردستان متصل و از حمایت آمریکا برخوردارند، مناطق تل رفعت و منبج را تحت کنترل داشتند. نیروهای ارتش ملی سوریه، وابسته به ترکیه، عملیات نظامی جدیدی را برای بیرون راندن نیروهای کرد از این مناطق آغاز کردند. شبه‌نظامیان کرد از سال ۲۰۱۶ مناطق غرب فرات را که اکثریت ساکنان آنها را عرب‌ها تشکیل می‌دهند؛ تحت کنترل گرفتند. در شرق سوریه نیز نشانه‌هایی از فروپاشی نیروهای دولتی نمایان شد. نیروهای دموکراتیک سوریه به‌سرعت کنترل مناطقی از استان‌های الرقه، دیرالزور، الحسکه و گذرگاه‌های مرزی با عراق را بعد از عقب‌نشینی نیروهای سوری به‌دست گرفتند.

در رابطه با درعا، کنترل حکومت در این منطقه سال‌ها است که شکننده بود، اتاق عملیات جنوب متشکل از آن دسته از مخالفانی بود که از سال ۲۰۱۶ با مصالح روسیه با حکومت مرکزی مصالحه کرده و بخش دیگری از آنها شامل نظامیان و افسرانی بودند که به اردن پناهنده شده بودند و به‌سرعت به جنوب جنگ بازگشتند. تحرکات برای تصرف استان درعا از دست نیروهای حکومتی آغاز شد. به‌احتمال زیاد، اتاق عملیات جنوب در توافق با اداره عملیات در ادلب تشکیل شد که نقش اساسی را در تبرد بر عهده داشت و زمام فرماندهی را تا لحظه سقوط حکومت اسد در اختیار داشت. البته ناگفته نماند بخشی از گروه‌های مرتبط با اتاق عملیات جنوب با اردن و امارات مرتبط بودند. استان السویدا، در همسایگی درعا از یک سال و نیم قبل به کانون جنبش اعتراضی دروزی‌ها علیه دولت سوریه تبدیل شده بود. فعالان دروزی حمایت خود را از اتاق عملیات ادلب اعلام و کمیته‌های محلی در سطح استان همبستگی محدودی با گروه‌های مسلح مخالف، مراکز و مؤسسات و دفاتر حزب بعث و برقراری امنیت آغاز کردند. اما آنچه به تصرف درعا و سویدا کمک کرد، خروج نیروهای نظامی از این دو استان با هدف دفاع از پایتخت بود.

نگرانی متحدان حکومت سوریه

با توجه به روابط ترکیه با نیروهای مخالف سوری، در میان حکومت اسد و به‌ویژه متحدانش این پیش‌داوری وجود داشت که ترکیه در پشت عملیات «ردع العدوان» قرار دارد و آنکارا در صورت تمایل می‌تواند این عملیات نیروهای مخالف را متوقف کند. این همان چیزی است که وزیر امور خارجه روسیه را بر آن داشت بلافاصله پس از فروپاشی نیروهای دولتی در حلب با همتای ترک خود تماس بگیرد و بعد ولادیمیر پوتین با رجب طیب اردوغان گفت‌وگو کرد و مسک صریحاً اعلام کرد نیروهای مراکز ترجیح‌الشام را صرفاً گروه‌های تروریستی می‌داند و بر حمایت خود از دولت سوریه تأکید کرد. گفت‌وگوهای رهبران روسیه با همتایان ترک خود به توقف نیروهای مخالف منجر نشد، ازاین‌رو به نیروی هوایی روسیه در پایگاه حمیمیم دستور داده شد تا از نیروهای دولتی پشتیبانی هوایی کنند. اما بیشتر جنگنده‌ها و خلبانان پس از شروع جنگ در اوکراین از سوریه خارج شدند. حجم نیروی روسیه در سوریه محدود بود، بنابراین عملیات بمباران روس‌ها علیه نیروهای مخالف و مقرهای مخالفان در ادلب شدید اما نسبتاً بی‌اثر بود.

قوی‌ترین موضع‌گیری از سوی تهران صورت گرفت که سوریه را متحد استراتژیک خود در منطقه دانست. به‌محض اینکه تهران متوجه جدی بودن عملیات نیروهای مخالف شد، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران سفر منطقه‌ای خود را برای دیدار از کشورهای منطقه و حکومت سابق سوریه در دستور کار قرار داد. عراقچی اول دسامبر وارد دمشق شد و با اسد دیدار کرد و روز بعد به آنکارا رفت و با هاکان فیدان همتای ترک خود دیدار کرد و با وی کنفرانس مطبوعاتی مشترک برگزار کرد، سپس برای شرکت در نشست سه‌جانبه با وزرای خارجه عراق و سوریه وارد بغداد شد و با نخست‌وزیر عراق دیدار کرد. واضح است تلاش وزیر امور خارجه ایران که به نظر می‌رسید از همان ابتدا متوجه ناتوانی نیروهای دولتی سوریه در دفاع از حکومت شده بود، معطوف به توقف حمله مخالفان و تشویق متحدان مقام‌های رسمی حکومت اسد در مورد عدم تمایل به حضور کارگران کردستان متصل و از حمایت آمریکا برخوردارند، مناطق تل رفعت و منبج را تحت کنترل داشتند. نیروهای ارتش ملی سوریه، وابسته به ترکیه، عملیات نظامی جدیدی را برای بیرون راندن نیروهای کرد از این مناطق آغاز کردند. شبه‌نظامیان کرد از سال ۲۰۱۶ مناطق غرب فرات را که اکثریت ساکنان آنها را عرب‌ها تشکیل می‌دهند؛ تحت کنترل گرفتند. در شرق سوریه نیز نشانه‌هایی از فروپاشی نیروهای دولتی نمایان شد. نیروهای دموکراتیک سوریه به‌سرعت کنترل مناطقی از استان‌های الرقه، دیرالزور، الحسکه و گذرگاه‌های مرزی با عراق را بعد از عقب‌نشینی نیروهای سوری به‌دست گرفتند.

در رابطه با درعا، کنترل حکومت در این منطقه سال‌ها است که شکننده بود، اتاق عملیات جنوب متشکل از آن دسته از مخالفانی بود که از سال ۲۰۱۶ با مصالح روسیه با حکومت مرکزی مصالحه کرده و بخش دیگری از آنها شامل نظامیان و افسرانی بودند که به اردن پناهنده شده بودند و به‌سرعت به جنوب جنگ بازگشتند. تحرکات برای تصرف استان درعا از دست نیروهای حکومتی آغاز شد. به‌احتمال زیاد، اتاق عملیات جنوب در توافق با اداره عملیات در ادلب تشکیل شد که نقش اساسی را در تبرد بر عهده داشت و زمام فرماندهی را تا لحظه سقوط حکومت اسد در اختیار داشت. البته ناگفته نماند بخشی از گروه‌های مرتبط با اتاق عملیات جنوب با اردن و امارات مرتبط بودند. استان السویدا، در همسایگی درعا از یک سال و نیم قبل به کانون جنبش اعتراضی دروزی‌ها علیه دولت سوریه تبدیل شده بود. فعالان دروزی حمایت خود را از اتاق عملیات ادلب اعلام و کمیته‌های محلی در سطح استان همبستگی محدودی با گروه‌های مسلح مخالف، مراکز و مؤسسات و دفاتر حزب بعث و برقراری امنیت آغاز کردند. اما آنچه به تصرف درعا و سویدا کمک کرد، خروج نیروهای نظامی از این دو استان با هدف دفاع از پایتخت بود.

نگرانی متحدان حکومت سوریه

با توجه به روابط ترکیه با نیروهای مخالف سوری، در میان حکومت اسد و به‌ویژه متحدانش این پیش‌داوری وجود داشت که ترکیه در پشت عملیات «ردع العدوان» قرار دارد و آنکارا در صورت تمایل می‌تواند این عملیات نیروهای مخالف را متوقف کند. این همان چیزی است که وزیر امور خارجه روسیه را بر آن داشت بلافاصله پس از فروپاشی نیروهای دولتی در حلب با همتای ترک خود تماس بگیرد و بعد ولادیمیر پوتین با رجب طیب اردوغان گفت‌وگو کرد و مسک صریحاً اعلام کرد نیروهای مراکز ترجیح‌الشام را صرفاً گروه‌های تروریستی می‌داند و بر حمایت خود از دولت سوریه تأکید کرد. گفت‌وگوهای رهبران روسیه با همتایان ترک خود به توقف نیروهای مخالف منجر نشد، ازاین‌رو به نیروی هوایی روسیه در پایگاه حمیمیم دستور داده شد تا از نیروهای دولتی پشتیبانی هوایی کنند. اما بیشتر جنگنده‌ها و خلبانان پس از شروع جنگ در اوکراین از سوریه خارج شدند. حجم نیروی روسیه در سوریه محدود بود، بنابراین عملیات بمباران روس‌ها علیه نیروهای مخالف و مقرهای مخالفان در ادلب شدید اما نسبتاً بی‌اثر بود.

قوی‌ترین موضع‌گیری از سوی تهران صورت گرفت که سوریه را متحد استراتژیک خود در منطقه دانست. به‌محض اینکه تهران متوجه جدی بودن عملیات نیروهای مخالف شد، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران سفر منطقه‌ای خود را برای دیدار از کشورهای منطقه و حکومت سابق سوریه در دستور کار قرار داد. عراقچی اول دسامبر وارد دمشق شد و با اسد دیدار کرد و روز بعد به آنکارا رفت و با هاکان فیدان همتای ترک خود دیدار کرد و با وی کنفرانس مطبوعاتی مشترک برگزار کرد، سپس برای شرکت در نشست سه‌جانبه با وزرای خارجه عراق و سوریه وارد بغداد شد و با نخست‌وزیر عراق دیدار کرد. واضح است تلاش وزیر امور خارجه ایران که به نظر می‌رسید از همان ابتدا متوجه ناتوانی نیروهای دولتی سوریه در دفاع از حکومت شده بود، معطوف به توقف حمله مخالفان و تشویق متحدان نظامی برای حمایت از دولت مرکزی سوریه بود.

ادامه در صفحه ۱۵

لیره سوریه پسا اسد؛ چالش‌ها و چشم‌انداز اقتصادی

رستم ضمانی
کارشناس ارشد دکترا دیپلماسی اقتصادی دانشگاه امام صادق(ع)

تحولات سیاسی در سوریه پس از سال ۲ با بحران، تأثیرات گسترده‌ای بر وضعیت اقتصادی این کشور به‌ویژه در بخش ارز به‌دنبال داشته است. بحران‌هایی که از سال ۲۰۱۱ آغاز شده و دربطول جنگ داخلی سوریه شدت یافته‌اند، موجب افت شدید ارزش لیره سوریه شده است. پس از سقوط بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴ و ورود نیروهای تحریرالشام به دمشق، نرخ تبدیل ارز به‌طور موقت بهبود نسبی یافت، اما این وضعیت کوتاه‌مدت بوده و همچنان کشور با چالش‌های اقتصادی و سیاسی عمده‌ای روبه‌رو است که نیازمند اتخاذ سیاست‌های جامع اقتصادی و پولی است. ازاین‌رو تحلیل وضعیت کنونی لیره سوریه و چشم‌انداز اقتصادی آن، برای برنامه‌ریزی اقتصادی و ارزی کشور ضروری به نظر می‌رسد.

روند ارزش لیره سوریه درطول سال‌های درگیری

ازسال۲۰۱۱، ارزش لیره سوریه تحت‌تأثیر عوامل متعددی به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. بااَفزاز جنگ داخلی وتشدید تحریم‌های اقتصادی، لیره سوریه به‌تدریج از ۵۰ لیره در مقابل دلار، به بیش از ۵۰۰ لیره در فاصله زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ رسید. این روند هم‌زمان با ازدست دادن برخی شهرها و منابع اقتصادی توسط دولت به نفع داعش، تشدید شد. در فاصله زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰، کاهش ارزش لیره سرعت بیشتری به‌خود گرفت و نرخ تبدیل از هزار لیره برای هر دلار، فراتر رفت. بین سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۴، لیره سوریه با کاهش قابل توجهی در ارزش خود نسبت به دلار آمریکا مواجه شد. (Al Jazeera، ۲۰۲۴) در سال ۲۰۲۱، نرخ تبدیل لیره سوریه به دلار در حدود ۳،۵۰۰ تا ۴،۰۰۰ لیره سوریه برای هر دلار بود. این روند کاهشی ادامه یافت تا اینکه در دسامبر ۲۰۲۴، نرخ رسمی تبدیل ارز که توسط بانک مرکزی سوریه اعلام شده به حدود ۱۵،۰۰۰ لیره سوریه برای هر دلار رسید. به‌علاوه در بازار سیاه نرخ تبدیل ارز به‌مراتب بالاتر از نرخ رسمی بود و گزارش‌ها نشان می‌دهند در دمشق این نرخ بین ۲۲،۰۰۰ تا ۲۷،۰۰۰ لیره و در حلب بین ۳۶،۰۰۰ تا ۴۱،۰۰۰ لیره برای هر دلار متغیر بود. (Al Jazeera، ۲۰۲۴) برخی از مهم‌ترین دلایل این روند شامل تحریم‌های اقتصادی گسترده، بحران‌های داخلی و ازدست دادن منابع اقتصادی بدلیل جنگ‌های طولانی‌مدت است. عوامل اصلی کاهش ارزش لیره سوریه را می‌توان به شرح زیر تحلیل کرد:

کاهش منابع بودجه عمومی: دولت بشار اسد به‌تدریج کنترل خود را بر بخش‌های گسترده‌ای از اراضی حاوی منابع اقتصادی استراتژیک، ازجمله مناطق تولید کشاورزی (مانند گندم وپنبه)، میادین انرژی (نفت وگاز) وگذرگاه‌های مرزی تجاری (با کشورهای ترکیه، اردن وعراق) از دست داد. علاوه‌بر این، مناطق صنعتی در حلب و حومه دمشق نیز تحت کنترل مخالفان قرار گرفت. این تحولات منجر به کاهش توانایی دولت در جمع‌آوری درآمد از مالیات‌ها و عوارض شد و همچنین منابع تأمین مالی که به‌عنوان منابع ارز خارجی و ارجاء اساسی بودجه عمومی تثبیت نرخ ارز وارده بازار کرد. این سیاست مجبور به کاهش شدید ذخایر ارزی شد. باکاهش موجودی‌های ارزی، بانک مرکزی سیاست عدم‌مداخله مستقیم را درپیش گرفت و تعیین نرخ ارز را به نیروهای بازار سپرد. بااین‌حال لیره همچنان به کاهش خود ادامه داد؛ چراکه سیاست پولی منسجمی وجود نداشت و اعتماد به ارز ملی کاهش‌یافته بود. در سال ۲۰۲۳، بانک مرکزی سیاست کاهش تدریجی ارزش لیره را اتخاذ کرد تا آن را نرخ بازار سیاه نزدیک کند. درعین‌حال استفاده از سایر ابزارهای سیاست پولی، ازجمله نرخ بهره- که برای کنترل نرخ و تثبیت وضعیت پولی به کار می‌رود- نادیده گرفته شد.

بحران مالی در لبنان: با تشدید تحریم‌ها و فشار بر کانال‌های مالی دولت، وابستگی سوریه به بانک‌ها و شرکت‌های مالی لبنان به‌عنوان مسیر اصلی برای انجام انتقالات، معاملات وتأمین نقدینگی افزایش‌یافت. برآوردها نشان می‌دهند حجم سپرده‌های سوری‌ها در بانک‌های لبنان حدود ۲۵ میلیارد دلار بوده است. (Al-Awsat، ۲۰۲۴) بااین حال بحران مالی در لبنان منجر به فروپاشی سیستم بانکی و مسدود شدن حساب‌های سپرده‌گذاران شد که دسترسی سوری‌ها به سپرده‌هایشان را غیرممکن ساخت. پس‌ازآن تحریم‌های «قیصر» مؤسسات و شرکت‌های مرتبط با دولت را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم هدف قرارداد که این امر دشواری در تأمین نقدینگی لازم برای تأمین مالی تجاری، واردات کالا